

دراسة الأغلاط الصرفية للناطقين بالعربية في تعلم اللغة الفارسية

أ.م.د. انور عباس مجید

جامعة بغداد- كلية اللغات - قسم اللغة الفارسية

wadi_alsalam76@colang.uobaghdad.edu.iq

wadi_alsalam76@yahoo.com

تاريخ الاستلام: ٢٠١٩/٤/٨

تاريخ القبول: ٢٠١٩/٥/١١



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](#).

الملخص :

اللغة هي واحدة من أهم الظواهر الإنسانية وهي تخضع لعملية التغيير والتحول بمرور الوقت وتحت ظروف مختلفة، وعلى الرغم من وجود اختلافات جوهرية بين اللغات، إلا أن هناك أيضاً نوجد بعض أوجه التشابه والمشتركات بين اللغات. ومن بين الموضوعات التي يجبأخذها في الاعتبار عند تدريس أي لغة هي التركيبات القواعدية وأسس الصرف والنحو وصياغتها لتلك اللغة، وهذا البناء له قواعده الخاصة في كل لغة. إن فرض موضوعات مختلفة من لغة على لغة أخرى يعد سبباً في تشتيتها وضياعها .

تسعى هذه الدراسة إلى التحقق من الأغلاط الصرفية للناطقين باللغة العربية المتعلمين للغة، وتحقيقاً لهذه الغاية تم استخراج وتحليل أهم المشاكل في هذا المجال.

الكلمات المفتاحية: اللغة، تعليم اللغة الفارسية، الناطقين باللغة العربية، قواعد اللغة، الصرف والنحو

A Study of the Morphological Errors for Arabic Speakers in Learning
Persian Language

Assistant Professor Dr. Anwar Abbas Majid

wadi_alsalam76@colang.uobaghdad.edu.iq

wadi_alsalam76@yahoo.com

Received:10/4/2019

Accepted:11/5/2019

Abstract

Language is one of the most important phenomena and undergoes transformation over time and under various conditions. Although there are fundamental differences between languages, there are some similarities and common characteristics among languages. There are certain issues should be taken into consideration when teaching any language like: the grammatical constructions, morphological basics, syntax, and how to construct that language. These constructions have their own rules in each

language. The imposition of different topics and sections of a language on another language is misleading.

This study investigates the morphological errors of Arabic speakers in learning Persian. To achieve this aim the most important problems in this field have been extracted and analyzed.

Key words: Language, Persian language instruction, Arabic speakers, grammar, Morphology and Syntax

دراسة الأغلاط الصرفية للناطقين بالعربية في تعلم اللغة الفارسية بررسی اشتباهات صرفی عربزبانان در یادگیری زبان فارسی

دانشیار دکتر انور عباس مجید

دانشگاه بغداد – دانشکده زبان – گروه زبان و ادبیات فارسی

wadi_alsalam76@colang.uobaghdad.edu.iq

wadi_alsalam76@yahoo.com

چکیده:

زبان از مهمترین پدیده‌های است و در گذر زمان و تحت شرایط گوناگون دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. هرچند بین زبان‌ها نقلوالت‌های اساسی و بنیادینی وجود دارد اما برخی مشابهات‌ها و مشترکات نیز میان زبان‌ها موجود است. یکی از مواردی که در امر آموزش هر زبانی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، ساخته‌های دستوری میانی صرف و نحو آن زبان است. این ساخته‌ها در هر زبانی قواعد مخصوص به خود را دارند. تحمیل نمودن مباحث و بخش‌های مختلف یک زبان بر زبان دیگر سبب گمراهی می‌گردد.

در این پژوهش در پی آن بودیم تا به بررسی اشتباهات صرفی عربزبانان در یادگیری زبان فارسی بپردازیم. بدین منظور مهمترین مشکلات را در این حوزه استخراج نموده و بررسی کردیم.

كلیدواژگان:

زبان، آموزش زبان فارسی، عربزبانان، دستور زبان، صرف و نحو

بيان مسئلئه:

زبان فارسی و آموزش این زبان به ملل غیرفارسی زبان از گذشته تا کنون وجود داشته است. در دهه‌های اخیر با پیشرفت علم زبان‌شناسی و نگرش‌های گوناگون این علم، مقوله آموزش زبان فارسی ابعاد گوناگونی یافته است. اقوام عربی و عربزبانان با رویکردهای گوناگونی مبادرت با یادگیری زبان فارسی نموده‌اند. ایشان در سیر آموزشی خویش و به صورت طبیعی اشتباهاتی را در کاربردهای زبانی خویش دارند.

أهمية و ضرورة مسئلة:

بررسی و تحلیل سیر آموزشی عربزبانان در آموختن زبان فارسی می‌تواند راهگشای امر آموزش و تسهیل آن گردد. یکی از حوزه‌هایی که عربزبان در مسیر زبان‌آموزی خود دچار خطأ و اشتباه می‌گردد، صرف و نحو است. ضرورت دارد با پرداختن به این حوزه و بررسی و تحلیل آن به شناخت بیشتر زبان‌آموزان و تسهیل امر آموزش ایشان پرداخت.

أهداف پژوهش:

هدف اصلی این پژوهش بررسی اشتباهات صرفی عرب زبانان در یادگیری زبان فارسی است.

نوع پژوهش:

این پژوهش در حوزه‌ی پژوهش‌های توصیفی، تحلیلی می‌گنجد. نگارنده می‌کوشد پس از مطالعه و گردآوری مطالب و نیز تحقیقات پژوهندگان و نویسنده‌گان، زبان‌شناسان و زبان‌آموزان، آنها را طبقه‌بندی، تبیین و تحلیل نماید.

پیشینه‌ی پژوهش:

تا کنون مقالات و پژوهش‌های متعددی درباره آموزش زبان فارسی زبانان خاصه عربزبانان و اشتباهات ایشان در یادگیری زبان فارسی، نوشته شده است. اما پژوهشی که با نگاهی اختصاصی به ایرادات صرف و نحوی عربزبانان در یادگیری زبان فارسی بپردازد، نگاشته نشده است.

روش پژوهش:

این پژوهش بر اساس روش کتابخانه‌ای فراهم شده است و در این میان کتاب‌های ادبی، زبان‌شناسی و مقالات و پژوهش‌های متعددی مطالعه شد.

١- زبان

امروزه قابلیت یادگیری زبان‌هایی غیر از زبان اصلی برای زبان‌آموزان متعددی مهیا شده است. یادگیری زبان‌های بیگانه مستلزم فرایندی زمان‌بر و پیچیده است. در این فرایند زبان‌آموز می‌بایست با فرهنگ و صبغه آن سرزمین آشنا شود و احساس و تفکری نو پیدا کند. بدین منظور برای آنکه یادگیری زبان تازه با توفيق همراه گردد پاسخ‌های احساسی، ذهنی و فیزیکی و درگیر شدن مداوم، همراه زبان‌آموز گردد (Vakili Fard, 1394 A.H.S, p 168).

زبانآموز دارای زبانی با نظام زبانی مجاز است که بر پایه برونداد قابل رؤیتی قرار میگیرد و ماحصل تولید همراه با کوشش زبانآموز به زبان مقصد است(اسلامی و استاجی، ١٣٩٥ هش: ٩) (Vastagi, 1395 A.H.S, p9).

تا پایان دهه شصت، نظریه غالب درباره یادگیری زبان دوم، نظریه رفتارگرایی بود. رفتارگرایان عقیده داشتند که یادگیری فراگیری مجموعه‌ای از عادات زبانی جدید است. از این رو پیش‌بینی می‌شد خطاها فراگیران زبان دوم، ناشی از استمرار عادات زبان مادری باشد و اکثر خطاها به تداخل زبان مادری با زبان مقصد نسبت داده می‌شد. اما در تحقیقاتی که در زمینه یادگیری در دهه‌های شصت و هفتاد صورت گرفت، نشان داده شد که نسبت خطاها انتقال، در کل کمتر است و خطاها بی‌یافت شد که در اکثر زبانآموزان در مرحله یکسانی از رشد زبانی و عمدتاً مستقل از ماهیت زبان مادری رخ می‌دادند. این نوع خطاها، خطاها پیشرفته، رشدی یا درون‌زبانی نام گرفت(متولیان نائینی و استوار ابرقویی، ١٣٩٢ هش: ٥٨) (Motavalian Naini, Rezvan and Estovar).

(Abraqavi, Abbas, 1392 A.H.S, p58).

٢- زبان فارسی

در دهه‌های اخیر، توجه به زبان فارسی به سبب جایگاه آن و نیز انقلاب اسلامی، وسعت جغرافیایی، تنوع و تعدد مخاطبان، در آغاز فهرست برنامه‌های برون مرزی کشور قرار گرفته و بنیان گذاردن «شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی» و نیز «مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی» حضوری مؤثر در این حوزه صورت گرفته است. نکته مهم در برنامه‌های آموزشی، توجه به مهارت‌های گفتاری است. برنامه‌های آموزشی در داخل ایران با رویکرد علمی، فرهنگی و دینی انجام می‌شود(صفار مقدم، ١٣٩٢ هش: ١١٧ - ١١٨) (Safar, Moghdam, 1392 A.H.S, p117-118).

٣- آموزش زبان فارسی

گروهی از زبان‌شناسان با بهره‌گیری از نظرات کلی سه هدف را در آموزش زبان بر می‌شمارند: ادبی(با هنری)، اجتماعی و فلسفی. در بخش اجتماعی، زبان را نوعی رفتار و اجتماعی و شکلی از رابطه می‌دانیم. در بخش ادبی یا هنری زبان و سیلیه‌ای برای خلافت است. این هدف غالباً در بخش فعل و غیرفعال کارکرد دارد. در بُعد فلسفی، آموزش با بررسی و تحلیل همسو می‌گردد.

یادگیری زبان دوم گاه به شکلی همزمان و پی در پی در مکان مبدأ یا مقصد صورت می‌گیرد و به همراه آن مهارت‌های گوناگونی در حوزه‌های نوشتاری، گفتاری و دریافتی و تولیدی ارائه می‌شود.

کرشن میان زبانآموزی آگاهانه و نیمه‌آگاهانه تمایز قائل می‌شود. و همین تمایز آن را به دو بخش هدایت‌شده یا نشده و آموزش از طریق معلم یا بدون معلم تقسیم می‌کند(وان والس، ١٣٧٢ هش: ٨٦-٨٧) (Van Waals, 1372).

(A.H.S, p86-87).

زبان در دوره‌های گوناگون به شکل‌های متعددی به کار رفته است. گونه‌هایی همچون؛ منطقه‌ای، جغرافیایی، فردی، تخصصی، عامیانه و ... از این رو بایسته است که در آموزش به تمام وجهه یک زبان توجه کرد و آن‌ها را با یکدیگر خلط نکرد. این توجه سبب می‌شود که تا فارسی‌آموز با وجهه مختلف یک زبان و نیز امکانات آن بیشتر آشنا شده و دریچه‌ای کامل به روی او گشوده گردد(شقاقی، ۱۳۷۸ هش: ۱۳۰) (Shaghaghi, 1378). (A.H.S,p130)

بسیاری معتقدند که در سطوح ابتدایی آموزش، فارسی‌آموزان می‌بایست با گونه‌های گفتاری زبان آشنا شوند و در ادامه با ممارست و مطالعه شیوه مکتب و نوشتاری با سطوح دیگر زبان آشنا گردند(ژیرار، ۱۳۶۵ هش: ۸۲) (Girard, 1365 A.H.S,p82).

اگر بخواهیم زبان فارسی را به عرب‌زبانان آموزش دهیم، لازم است بر مفاهیم زبانی و کارکردهای آن مسلط گردیم و واژه‌های سطوح مختلف را متناسب با روابط واژگانی و صرفی و نحوی برگزینیم. همچنین بایسته است متناسب با سطح زبان‌آموز، مفاهیم زبانی را آموزش دهیم.

سطح‌بندی و ردبهندی زبان‌آموزان مستلزم آن است که در سه سطح مقدماتی، میانی و پیشرفته و مبتدی بر تکرار، زبان را آموزش داد(حاجی سید رضایی و مراد صحرایی، ۱۳۹۴ هش: ۶۸) (Haji Seyed Razaee and Morad Shahraei, 1394 A.H.S,p68).

٤- صرف و نحو

از گذشته تا کنون زبان‌شناسان در رابطه با دستگاه‌های صرف و نحو با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند. در پایان دهه ۷۰ میلادی نظرات متفاوتی پیرامون واژه‌سازی و واژگان ایجاد شد و دو گرایش متفاوت در میان معتقدان به دستور زایشی پدید آمد. این دو گرایش عبارت بودند از واژه‌گرایی و معنی‌شناسی(طباطبایی، ۱۳۸۹ هش: ۸۸) (Tabatabai, 1389 A.H.S,p88). در بررسی و مقایسه زبان فارسی و عربی باید بیش از هرجیز به شbahatها و تقاویت‌های این دو زبان پرداخت. یکی از مهمترین تقاویت‌ها این دو زبان، قالبی و استقافی بودن زبان عربی و ترکیبی بودن زبان فارسی است.

برخی با مقایسه زبان فارسی و عربی و پرداختن به جزئیات اختلافات این دو زبان به این نتیجه رسیده‌اند که زبان فارسی نحو ندارد و دلیل آن را در عدم نیاز به مصوبات، مرفوعات و مجرورات می‌دانند. اما باید گفت که صرف و نحو در هر زبانی همراه و متناسب با آن زبان است.

اصلی‌ترین ویژگی نحو، شکل جمله‌بندی کلام است. این ویژگی در زبان فارسی وجود دارد اما هنوز به شکل مستدل و مستندی تدوین نشده است. علاوه بر این اگر در مقام مقایسه برآییم، عده مطالبی که در نحو عربی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ فعل، فاعل، مبتداء، خبر، حال، تمیز و ... است. این موارد در زبان فارسی نیز وجود دارد.

از آنجه که قواعد هز زبان در بافت آن زبان و در مجموعه ویژگی‌های آن قبل بررسی است، توجه به ویژگی‌های هر زبان و یافتن تفاوت‌های آن در مقام قیاس، گاه کژتابی‌ها و کژفهمی‌هایی را به دنیال دارد.

یکی از دلایلی که آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان را دشوار می‌کند، تطبیق مو به موی دستور و قاعدة زبان‌های مبدأ و مقصد است.

زبان فارسی در سه شاخه قابل بررسی است. هر یک از این شاخه‌ها، قاعده و ویژگی‌های مخصوص به خود را دارا می‌باشند. این شاخه‌ها عبارتند از: زبان محاوره که در گفتگوهای روزمره فارسی زبانان به کار می‌رود. زبان نظم که در شعر فارسی کاربرد دارد. زبان نثر که کتاب‌های قدیم به آن شیوه نوشته شده است.

قواعد دستوری هر یک از این شاخه‌ها با یکدیگر متفاوت است و این تفاوت هم در قلمروی واژگانی است و هم در بخش معنایی و نحوی. به عنوان نمونه واژگانی که در زبان محاوره به کار می‌رود در نظم و نثر کاربردی ندارند. این موضوع از مهمترین محاسن زبان محاوره نسبت به نظم و نثر است.

همچنین در مقوله نظم و نثر نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. به عنوان نمونه می‌توان به تقدم فعل و فاعل در نثر و نظم اشاره کرد. در نثر شایسته آن است که فاعل بر فعل مقدم گردد اما در نظم گاه به ضرورت وزن ترکیب کلام، فعل بر فاعل مقدم می‌شود.

همچنین در ترکیب و ترتیب جملات نیز این سه شاخه دستخوش تغییرات و تفاوت‌هایی می‌گردند که می‌بایست در آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان به این نکات توجه کرد.

با نگاهی کلی درمی‌باییم که مشتقات فارسی از دو صیغه امر و ماضی ساخته می‌شوند. بسیاری بر این باورند که در ابتدا به فارسی‌آموزان از هر فعل دو صیغه امر و ماضی را بیاموزیم و در ادامه اضافاتی که به این دو صیغه افزوده می‌شوند.

در روش مذکور، فارسی‌آموزان با آموختن ساخت امر و ماضی در یک شاكله منظم با اشتقاق اسم و فعل آشنا می‌شوند و دیگر نیازی به حفظ افعال و یادگی قواعد آنان نیست.

٥ - ارتباط بین زبان فارسی و زبان عربی

رابطه زبان فارسی و عربی، از گذشته وجود داشته و مسائلی که بر محور این رابطه می‌گردد نیز قدمت بسیار دارد. از دیرباز تا کنون زبان فارسی و زبان عربی با یکدیگر پیوستگی و همبستگی داشته‌اند. برخی این ارتباط را به دوران پیش از اسلام نسبت می‌دهند. گواه این ادعا نشانه‌ها و سنگنگاره‌هایی از دوره هخامنشیان است که صورت‌هایی از اقوام عربی بر آن نقش بسته است. این تصاویر نشان‌دهنده آن است که اقوام عربی در آن روزگار حکومتی مستقل داشته و همچنین راه ارتباطی خاصه از طریق زبان میان آنان و ایرانیان برقرار بوده است.

پیش از اسلام و ورود آن، ایران سرزمینی تأثیرگذار بود و ملّ و زبان‌های دیگر از جمله زبان عربی در زمینه‌های فرهنگ و زبان از آن تأثیر می‌پذیرفتند. از این‌رو واژگان متعددی از زبان فارسی به زبان عربی راه یافت. تا قرون دوم و سوم هجری نیز این دریافت واژگانی از زبان فارسی به عربی متداول بود.

با شروع دوره اسلامی به مرور اوضاع متحول گشت و زبان عربی بر زبان فارسی تأثیر گذاشت. اما مردم عامی هیچ‌گاه به آموختن زبان عربی نپرداخته و به زبان فارسی وفادار ماندند. در مقابل فاصلان و اندیشمندان آن روزگار برای دستیابی به منزلت و مقام به فراگیری زبان عربی و در ادامه آموزش آن زبان پرداختند (ر.ک موسوی، ۱۳۸۶ هش: ۱۶۵). (Ref: Musavi,1386 A.H.S,p165)

بخش اعظم نفوذ و ورود زبان فارسی به زبان عربی در ابتدای ورود اسلام به ایران بوده است. آن زمان که زبان عربی همراه با اسلام از شبه جزیره عربستان خارج شد در ایران با مفاهیم و مصادیقی آشنا شد که به سبب ناشناختگی واژه و اصطلاحی برای آن‌ها نداشت. واژگان متعددی بر سر راه عرب بادیه‌نشین قرار گرفت که وی با آنها آموخته و آمیخته نبود، واژگانی از نوع دیوانی و اداری، صنعتی، باطنی و .. اعراب با نام فارسی این واژگان آشنا شدند و همان‌ها را به کار برداشتند.

زبان فارسی در این دوره قدرت و نفوذ زیادی داشت و با زبان عربی همراه شد. عرب‌ها آن دسته از واژگانی و عباراتی را که نتوانستند برایش معادلی بیابند، عیناً با همان سبک و سیاق فارسی به کار برداشت و معرفت خواهندند. اگرچه عرب‌ها واژگان معرفتی از زبان‌های دیگر برگرفته از زبان‌های دیگر دارند اما به لحاظ کثرت این واژگان به اندازه واژگان فارسی نرسیدند.

دوره دوم از زمانی آغاز شد که زبان فارسی بعد از دو سده دوری از گستره ادب و فرهنگ و حصر شدن در دایره گفتوگوهای محاوره‌ای به عرصه فرهنگ و ادب بازگشت. در این دوره شاعران و ادبیان ایرانی به نگارش کتاب‌های فارسی منظوم و منثور به زبان فارسی همت گماردند. زبان عربی در این دوره به زبان دانش، سیاست و ادب بدل شده و جامعه زبانی آن وسعت یافته بود. در مقابل زبان فارسی به سبب فترت و دوری از جامعه علم و ادب در دایره محدود و محصوری مانده بود. در این عصر ادبیان و نویسنده‌گان عرب‌دان ایرانی به یاری زبان فارسی شناختند و واژگان و ترکیبات عربی را وام گرفته و به زبان فارسی تزریق نمودند.

در میان تمام زبان‌هایی که بر زبان فارسی تأثیر گذارده‌اند، بیشترین و مهم‌ترین اثر از آن زبان عربی است.

٤ - نفوذ واژگان فارسی در زبان عربی

به طور کلی در زبان عربی به کارگیری واژگان بیگانه بنا به ضرورت و اقتضای زمانی و مکانی انجام می‌گیرد. این وامگیری‌های زبانی و واژگانی به سبب آن بوده است که گاه برای مصادیق و مفاهیمی واژگان عربی نارسا بوده‌اند. با دقت در واژگان معرفت در می‌یابیم که آن واژگان به نوع خاصی از مفاهیم اشاره می‌کند

که زبان عربی از رساندن آن مفهوم به خصوص ناتوان بوده است. در این‌گونه موارد استعمال آن واژه به شکلی طبیعی و طبق نظامی خاص صورت پذیرفته است.

از همین روست که واژگان فارسی در زبان عربی اختلالی ایجاد نکرده و وام گرفتن‌ها به ریشه و اصل زبان زیانی نرسانده است.

نتیجه وامگیری زبان عربی از زبان فارسی آن شد که واژگان فارسی با زبان عربی آمیخته شدند و اثری نادرست بر آن نگذاشتند و برخی از این واژگان نیز مصدر و مشتق واژگانی دیگر گردیدند. این امر سبب شد تا اصل واژگان و زبان مبدأ پس از مدتی فراموش شود و آن واژگان، اصیل عربی نام گیرند. این فرایند سبب گسترش دایره زبان و گنجینه لغات عربی گردید. از همین روست که واژگان فارسی دخیل در عربی، بسیار کمتر از آنچه واقعاً هستند، به چشم می‌خورند و تمایز این واژگان جز با بررسی و پژوهش امکان‌پذیر نیست(ر.ک محمدی،

(Ref: Mohammadi, 1353 A.H.S, p7-17) (١٧ - ٧ هـ: ١٣٥٣)

٧ - نفوذ واژگان عربی در زبان فارسی

زبان فارسی در ارتباط و وامگیری‌های زبانی مسیری متفاوت را پیموده است. نویسنده‌گان فارسی‌زبان در دوره‌هایی بدون رعایت اقتضایات و امکانات زبانی به وامگیری‌های واژگانی مبادرت می‌ورزیدند.

در میان واژگان عربی وارد شده به زبان فارسی با دو گروه کلی از واژگان روبرویم. واژگانی که بنا به ضرورت و برطرف نمودن نیاز واژگانی کاربران زبان وارد شده اند. این گروه از واژگان به جهت رفع ضرورت‌ها و نیازهای واژگانی از راه طبیعی و درست وارد زبان فارسی شدند و سبب گستردگی سرمایه زبان شده‌اند.

گروه دوم واژگانی را دربرمی‌گیرند که بدون آنکه لزوم و کارکرد آنها احساس شود، به شکلی غیرطبیعی و گاه از سر تفنن و تفاخر و تکلف به زبان فارسی نفوذ کرده‌اند.

نگرشی که پشت تکرر گروه دوم واژگان قرار رفته است، توسط افرادی ایجاد شده است که واژگان عربی را بی‌هیچ حد و مرزی به زبان فارسی راه داده‌اند. این نگرش و برخورد سبب شد که واژگانی به زبان فارسی راه یابند که هیچ توجیهی برای ورود و نفوذ آن وجود ندارد.

ماحصل ورود واژگان عربی به فارسی آن شد که این واژگان به همان شکل و سیاق وارد زبان فارسی شدند و پس از گذر سده‌ها، همچنان ماهیت عربی خویش را حفظ نموده‌اند. این امر سبب شده است تا زبان فارسی به زبانی مرکب از واژگان گونان بدل شود که هریک پیروی قانون و قاعدة خاصی است. برخی از واژگان متاثر از دستور زبان فارسی هستند و پاره‌ای دیگر پیروی صرف و نحو عربی. همچنین در حوزه معنایی نیز معنای برخی از واژگان در فرهنگنامه فارسی موجود است و معنای واژگان دیر در لغتنامه‌های عربی. این امر

آموختن زبان فارسی را به خصوص برای فارسی آموزان دشوار نموده است (ر.ک محمدی، ۱۳۵۳ هش: ۷). (Ref: Mohammadi, 1353 A.H.S, p7-17)

٨ - مهمترین ایرادات و اشکالات صرفی و نحوی عربزبانان در زبان فارسی

علیرغم تشابهاتی که میان زبان فارسی و عربی وجود دارد، این دو زبان اختلافات بنیادینی را نیز دارا می‌باشند. به عنوان مثال تکوازهای تصریفی از اساسی‌ترین مشکلات در این حوزه است. پیشوندهای نفی، اضافات اسمی، صفت و ضمایر متصل به اسم و حرف اضافه و ضمایر منفصل از دیگر مشکلاتی صرفی است که عربزبانان در یادگیری زبان فارسی با آن روبرود می‌شوند.

در حوزه ایرادات نحوی با قواعدی روبرو هستیم که ممکن است در زبان فارسی وجود داشته باشند و در زبان عربی وجود نداشته باشند و بالعکس. این تفاوت‌ها، زمینه‌ساز دشواری‌هایی در یادگیری و به کارگیری نحو زبان فارسی برای عربزبانان است. به عنوان مثال تقدم فعل، فاعل، صفت، ضمیر و اسمی از حیث حالت و جنس و شمار و ... از مهمترین دشواری‌های حوزه نحوی است.

در بررسی زبان‌شناختی، اشتباهات و ایرادات زبانی زبان‌آموزان به چهار دسته تقسیم می‌شود: املایی و نوشتاری، آوایی و واژی، معنایی و واژگانی، صرفی و نحوی. ما در این پژوهش با گروه چهارم روبرو هستیم و البته گریزی به دیگر ایرادات هم خواهیم داشت. این اشتباهات برگرفته از مراتب حذف، جایگزینی، اضافه و چینش موارد صرف و نحوی هستند. از مهمترین این موارد می‌توان به این موارد اشاره نمود: تکوازهای جمع و اجزای کلام، زمان، پیش واژگان و جملات، حروف اضافه، حروف تعریف، معلوم و مجہول، جملات شرطی، جملات موصولی و (ر.ک متولیان نائینی و استوار ابرقویی، ۱۳۹۲ هش: ٦٤). (Ref: Motavallian Naini,) (Rezvan and Estovar Abraqavi, Abbas, 1392 A.H.S, p64)

١ - واژگان مرکب

بسیاری از واژگان دشوار فارسی، واژگان مرکب هستند. واژگان مرکب را از دو بعد نحوی و معنایی می‌توان بررسی کرد.

هسته نحوی کلمه‌ای است که تمام یک واژه مرکب را با خود همراه می‌سازد. هسته نحوی در بسیاری از موارد قابل تشخیص هستند. اما همیشه این‌گونه نیست. گاه اسمی مرکب قابل تشخیص و تمیز نیستند و نمی‌توان کدامیک هسته هستند. این بخش در مقوله اسمی مرکب با ساختار اسم + اسم قابل روئیت است.

در مقوله بخش صرف، با واژگانی روبرو هستیم، که از الگوی واحدی برای معنا پیروی نمی‌کند. به عنوان نمونه، به این واژگان توجه کنید:

گروه الف: زیباسیرت/ بدھیکل/ قویاندام

گروه ب:

واژگان مذکور، از ساختار صفت + اسم پیروی کرده‌اند اما در از نظرگاه معنایی، بار معنایی متفاوتی دارند. معنای این واژگان به شرح ذیل است:

گروه الف:

زبایت: دارای سیرت زیبا

بدهیکل: دارای هیکل بد

قوی اندام: داری اندام قوی

گروه ب:

بزرگراه: راه بزرگ

پیروز: زن پیر

شوراب: آب شور

بررسی واژگان مرکب و پیروی آنها از ساختار و الگویی یکسان و معانی متفاوت بیانگر دشواری این مقوله برای فارسی‌آموزان است.

عربزبانان به سبب آنکه زبانی استقاقی دارند و واژگان در همان بافت زبانی برایشان موجودیت پیدا کرده است، با این نوع ساخت به دشواری ارتباط برقرار می‌نمایند. علاوه بر این، دوگانگی‌های معنایی و عدم پیروی از چارچوبی خاص در بخش معنایی، زبان‌آموز را دچار کندی در یادگیری می‌کند.

٨ - ٢ صرف ویژه (اسم + ی)

برخی از میزان‌های صرفی وجود دارند که پذیرش و رعایت آنها در بخش نحوی لازم نیست. از این میان می‌توان به برخی از صفت‌ها و اسم‌های فارسی شاره کرد.

به عنوان نمونه به اسم + ی می‌پردازیم. این ساختار صفت‌ساز است. مانند: برفی، چوبی، صورتی، نیلی و بهاری و ... نمونه‌های این نوع ساختار بی‌شمار است.

در مقابل اسامی داریم که آنها نیز با همان ساختار «اسم + ی» ساخته شده اند اما صفت نیستند بلکه تبدیل به اسم حالت یا اسم عمل گردیده‌اند. مانند: شاگردی، خطاطی، معلمی، استادی، خیاطی، عکاسی، دوستی، دشمنی،

پژشکی، فرزندی، پدری و ... (ر.ک طباطبایی، ۱۳۸۹ ۹۵ - ۹۷) (Ref: Tabatabai,1389 ۹۵ - ۹۷) .(A.H.S,p95-97)

اسامی بالا در صورتی تبدیل به صفت می‌گردد که پسوند «ان» را به آنها اضافه کنیم. دو گروه واژگان بالا نشان می‌دهد که پسوند «ی» در پاره‌ای از موارد صفت می‌سازد و در پاره‌ای از موارد صفت‌ساز نیستند و برای ساختن صفت از آنها می‌بایست شیوه دیگری (به عنوان مثال استفاده از پسوند «ان») اتخاذ نمود.

بی‌گمان کاربردهای گوناگون «ی» (در اینجا به دو نمونه از کاربرد «ی» اشاره کردیم و برخی از نمونه‌ها مانند «ی نکره» و ... اشاره نکردیم) برای فارسی‌آموزان به طور عام و عربزبانان به طور خاص دشواری‌هایی را ایجاد کرده است. و به این موارد لحن بیانی این نوع صفات را نیز می‌بایست اضافه کنیم که نوع لحن و طرز بیان در انتقال معنا بسیار تأثیرگذار است.

٨ - ٣ ترتیب اجزای کلام

در زبان عربی جمله فعلیه با فعل و جمله اسمیه با اسم شروع می‌شود. اما در زبان فارسی، جملاتی که فاقد نشانه هستند با اسم شروع می‌شوند. این‌ها شامل فعل، فاعل و مفعول هستند. در زبان عربی در جملات بی‌نشانه، فعل مقدم می‌گردد. این مسئله سبب شده تا عربزبانان با توجه به بستری زبانی خویش اجزای کلام را مطابق با زبان خویش رعایت کنند که با زبان فارسی مغایرت دارد.

٨ - ٤ تطابق مسند و مسندالیه

مسند ویژگی یا حالتی است که آن را به کسی یا چیزی نسبت می‌دهیم و مسندالیه آن است که مسند را به آن نسبت می‌دهیم. معمولاً واژگانی که نقش مسند می‌گیرند، صفت محسوب می‌شوند. در زبان فارسی اسم و صفت با یکدیگر مطابقت ندارند و در نتیجه مسند و مسندالیه نیز تطابقی ندارند(انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۰ ه.ش: .(Anwari and Ahmadi Givi,1370 A.H.S,p118) (۱۱۸

در نحو عربی، جملات اسمیه در جایگاه مسند و مسندالیه به شکل مبتدا و خبر می‌آیند. و خبر اگر اسم مشتق باشد با مبتدا منطبق است(ر.ک: حسینی، ۱۳۷۱ ه.ش : ۶۱ - ۷۳) (Ref: Hosseini,1371 A.H.S,p61-73).

عربزبان به سبب وجود این قاعده در زبان خویش گاه مسند و مسندالیه را مطابق با هم به کار می‌برد و دچار اشتباه می‌گردد.

٨ - ٥ حذف نشانه «را»

در زبان فارسی، مفعول به اندازه زبان عربی گسترش نیست. در زبان فارسی گاه به مقتضای کلام می‌توان نشانه مفعول را حذف کرد. در زبان عربی با انواع گوناگون مفعول رو برویم که این مفعول‌ها در مقابل و برابر مفعول

فارسی نیستند. از آنجا که در زبان عربی حرفی که نشان‌دهنده مفعول مستقیم باشد، وجود ندارد، زبان‌آموز عرب‌زبان مطابق با قواعد زبان خویش از به کار بردن نشانه مفعول خودداری می‌کند.

٦ - حذف فعل ربط

در زبان فارسی مجموعه‌ای از فعل‌های اسنادی را داریم اما در زبان عربی معمولاً از جملات اسمیه بدون فعل ربطی استفاده می‌شود. زبان آموز عرب‌زبان با در نظر گرفتن قاعدة زبانی خویش، گاه فعل اسنادی را در زبان فارسی به کار نمی‌گیرد.

٧ - کاربرد فعل مرکب

از آنجا که زبان فارسی زبانی ترکیبی است و در فعل بیش از سایر اجزای کلام از ترکیب استفاده می‌شود، انواع ساخت فعل به جز فعل ساده، در مقوله ترکیبی قرار می‌گیرند.

ساختمان افعال عربی تمایز از ساختمان افعال فارسی است. و تنوع فعل فارسی را ندارد. این ویژگی بدان سبب است که زبان عربی یک زبان ترکیبی نیست. این تمایز و تفاوت سبب بروز اشتباهاتی در به کارگیری افعال توسط زبان‌آموزان عربی می‌گردد.

٨ - کاربرد ضمایر متصل و منفصل

در دستور زبان فارسی ضمایر به دو گونه متصل و منفصل تقسیم شده‌اند. این نوع تقسیم بندی ضمایر سبب بروز اشتباهاتی در زبان‌آموزان عربی گردیده است. آنان به سبب نبود آگاهی از جایگاه ضمایر متصل و منفصل آن‌ها را به شیوه‌ای اشتباه به کار می‌برند. همچنین مشکل دیگر در عدم آگاهی آنان از مراجع ضمیر است.

٩ - نگاهی به دیگر اشتباهات زبانی عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی

١٠ - تکیه

در زبان فارسی هر کلمه تنها یک هجای تکیه‌دار دارد. تکیه در اسمی، قیدها و صفت‌ها و حرف‌های اضافه و ... در هجای پایانی واقع می‌شود. این موضوع درباره واژگان مرکب و مشتق نیز صدق می‌کند. در زبان فارسی کلمات مرکب و مشتق تنها پذیرای یک هجای تکیه هستند (Milaniyan, ١٣٥٠ ه.ش: ٧٣) (Milaniyan, 1350).

.(A.H.S,p73)

بنابراین هر واژه فارغ از اینکه از چند تکواز یا واژه تشکیل شده، تنها آخرین هجای آن تکیه می‌گیرد. مانند تکیه در واژگان «نه من غریبم بازی» و یا «دوچرخه سواری» و ...

اما در گروههای نحوی وضع متفاوت است. در این گروهها، هر کلمه تکیه مستقلی دارد. به عنوان مثال در عبارت «خانه‌های بزرگ محله ما» هجای پایانی هر یک از واژگان «خانه»، «بزرگ»، محله و «ما» تکیدار است.

تفاوت تکیه در گروهی صرفی و نحوی که در بالا بیان کردیم، نشان از آن دارد که دستگاههای صرف و نحو جدا از یکدیگر عمل می‌کنند و هر یک قاعده‌های مخصوص به خود را دارند.

٩ - ٢ املای فارسی

زبان عربی در جریان داد و ستدۀای خویش واژگانی را در بافت زبانی خویش پذیرفت که در تلفظ و حروف شکلی متفاوت از زبان مقصود داشته‌اند. عرب‌زبانان در جریان استفاده واژگان مذکور آن‌ها را با صدایی متناسب با طبیعت و ذات زبانی خویش تلفظ می‌کردند. در بخش مكتوب نیز حروف را به همان شکلی که از مخارج تلفظ می‌نمودند، تبدیل کرده و می‌نوشتند. بنابراین در بخش شفاهی و مكتوب اختلافی به چشم نمی‌خورد.

در زبان فارسی برخلاف زبان عربی در داد و ستدۀای واژگانی - به خصوص از زبان عربی - اگرچه مخارج بعضی از حروف عربی مانند؛ «ض»، «ص»، «ع» و «ح» در زبان فارسی وجود ندارد و در گفتار نیز به صدایی متناسب با زبان فارسی تبدیل می‌شوند اما در بخش مكتوب واژگان را با حروف عربی که در فارسی تلفظ نمی‌شوند، می‌نویسن و نه آن‌گونه که تلفظ می‌کنند.

این دوگانگی در خوانش و نوشتن دشواری‌های متعدد را برای فارسی‌زبانان و بیش از همه برای کسانی که مبادرت به فارسی‌آموزی می‌کنند، ایجاد می‌کند. از اصلی‌ترین دشواری‌هایی که واژگان عربی در خط فارسی ایجاد کردند، وجود چند نشانه برای یک صدا است و تمییز اینکه آن صدا با چه نشانه‌ای ثبت شود به تمرین و حفظ آن بستگی دارد.

٩ - ٣ اختلاف کلمات زبان مقصود و مبدأ

هنگامی که واژه‌ای به زبان عربی وارد می‌شود، با لهجه عربی منطبق می‌گردد و بافت کلمه رنگ و بویی عربی می‌گیرد و در اوزان عربی قرار می‌گیرد. این فرایند به مرور آن واژه را به شکلی عربی در می‌آورد و پیوند آن با زبان مبدأ گستته می‌شود.

در زبان فارسی شیوه‌ای متفاوت اعمال می‌گردد. فارسی‌زبانان واژگان عربی را که به زبان فارسی وارد شده، حفظ می‌کنند و در خوانش و نوشتن به زبان اصلی یا همان مبدأ وفادار می‌مانند. این وفاداری تا بدان جاست که در تصریف و اشتقاق و به طور کلی صرف و نحو نیز از زبان عربی پیروی می‌کنند.

آنچه گفتیم نتایجی را برای زبان فارسی به همراه آورده که فارسی زبانان هنوز هم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. عرب زبانان قواعد صرف و نحو خویش را در واژگان بیگانه نیز جاری و ساری نموده‌اند اما فارسی

زبانان، واژگان و ترکیبات عربی را با قواعد و دستور زبان فارسی هماهنگ ننموده‌اند. این عدم هماهنگی مرز زبان فارسی را گاه مختل نموده و مشکلاتی برای فارسی زبانان و فارسی آموزان ایجاد کرده است.

٩ - ٤ اختلاف گونه گفتاری و نوشتاری فارسی

عربزبانانی که به آموختن زبان فارسی همت می‌گمارند، با اهداف گوناگونی فارسی آموزی را شروع می‌کنند. آنان غالباً زبان فارسی را در کشور خود تا اندازه‌ای فرا می‌گیرند و قبل از آموزش رسمی دوره‌های محدودی را می‌گذرانند. برنامه‌های درسی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها و مراکز آکادمیک با این ذهنیت که فارسی آموزان با قرار گرفتن در محیط فارسی‌زبان، مهارت‌های گفتاری را می‌آموزند، به آموزش این مهارت بی‌توجه هستند (اکبری، ۱۳۸۱ ه.ش: ۴۹). (Akbari, 1381 A.H.S, p49).

سلط استاد و محیط زبانی از مهمترین مؤلفه‌های یادگیری گونه گفتاری زبان فارسی به شمار می‌آید. آموزش زبان فارسی در خارج از محیط‌های فارسی زبان به کلاس‌های درس و در محیط‌های غیرزبان محدود می‌شود. نکته حائز اهمیت آن است که در این کلاس‌ها، آموزش بر عهده آموزگاران غیرایرانی و یا ایرانیانی است که در آموزش زبان متخصص نیستند. علاوه بر این مدت زمان کوتاه کلاس‌های آموزشی و عدم دسترسی فارسی آموزان به منابع پهروز شده و تخصصی آن‌ها را از یادگیری درست گونه گفتاری که بسیار پرکاربرد است، بازمی‌دارد (ر.ک صفار مقدم، ۱۳۹۲ A.H.S, p119:Ref). (Safar Moghdam, 1392 A.H.S, p119:Ref) (۱۱۹ ه.ش: ۱۳۹۲ ه.ش: ۱۱۹).

عواملی که به آن‌ها اشاره شد، مجموعه‌ای از محدودیت‌های است که عربزبانی را که مبادرت به آموختن زبان فارسی نموده اند، با مشکل مواجه کرده است. اینان غالباً گونه نوشتاری را فرامی‌گیرند و با گونه گفتاری بیگانه و ناالشنا هستند. این عوامل سبب می‌شود تا هنگام برخورد با گونه گفتاری و آگاهی از تقاوتهای گونه‌های نوشتاری و گفتاری با یکدیگر، به این نتیجه برسند که هیچ نیاموخته‌اند. بی‌گمان این موضوع از منظر روانی بر روی زبان‌آموز تأثیر خواهد گذاشت و روند آموزش وی را کند و در مواردی متوقف خواهد ساخت.

تفاوت گونه‌های گفتاری و نوشتاری از مهمترین دشواری‌هایی است که عربزبانان در مراحل نخستین یادگیری زبان فارسی با آن برخورد می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۰ ه.ش: ۸۹). (Jafari, 1390 A.H.S, p89).

بایسته است به منظور اعتلای گونه گفتاری زبان فارسی خاصه در برون مرزها، با تولید منابع آموزشی مانند وسایل صوتی و تصویری و نرم افزارهای به روز در برنامه‌های درسی اقدام شود.

نتیجه گیری:

در این پژوهش در پی آن بودیم که مشکلات و دشواری صرفی و نحوی عربزبانان در یادگیری زبان فارسی بپردازیم. بدین منظور شواهدی ارائه شد و این شواهد بررسی گردید. در بررسی‌ها به این نتیجه رسیدیم که

دستگاه صرفی و نحوی در زبان فارسی متمایز از یکدیگر عمل می‌کنند. و این نظر در پرداختهایی که در بخش تکیه و ساختار واژگانی داشتیم اثبات شد.

با مطالعه و بررسی زبان می‌توان بیش از پیش به امکانات یک زبان و در کنار آن به کم و کاستی‌های آن پی برد. این امر سبب می‌شود که زبان را به خوبی شناخت در امر آموزش بر روی مواردی که اهمیت بیشتری دارند تمرکز کرد. علاوه بر این شناخت ماهیت زبان مقصد (که در این پژوهش زبان عربی بود) می‌توان در انتقال درست مفاهیم و قواعد زبان مبدأ (در این پژوهش فارسی) راهگشا باشد.

اصلی‌ترین ویژگی نحو، شکل جملبندی کلام است. این ویژگی در زبان فارسی وجود دارد اما هنوز به شکل مستدل و مستندی تدوین نشده است. علاوه بر این اگر در مقام مقایسه برآییم، عده مطالی که در نحو عربی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ فعل، فاعل، مبتداء، خبر، حال، تمیز و ... است. این موارد در زبان فارسی نیز وجود دارد.

از آنجه که قواعد هر زبان در بافت آن زبان و در مجموعه ویژگی‌های آن قبال بررسی است، توجه به ویژگی‌های هر زبان و یافتن تقاوتهای آن در مقام قیاس، گاه کژتابی‌ها و کژفهمی‌هایی را به دنیال دارد.

یکی از دلایلی که آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان را دشوار می‌کند، تطبیق مو به موی دستور و قاعدة زبان‌های مبدأ و مقصد است.

در حوزه ایرادات نحوی با قواعدی رویرو هستیم که ممکن است در زبان فارسی وجود داشته باشند و در زبان عربی وجود نداشته باشند و بالعکس. این تقاوتهای زمینساز دشواری‌هایی در یادگیری و به کارگیری نحو زبان فارسی برای عرب‌زبانان است. به عنوان مثال تقدم فعل، فاعل، صفت، ضمیر و اسمی از حیث حالت و جنس و شمار و ... از مهم‌ترین دشواری‌های حوزه نحوی است.

در این پژوهش مهم‌ترین مواردی که در حوزه اشتباهات صرفی و نحوی عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از: واژگان مرکب، صرف ویژه (اسم + ای)، ترتیب اجزای کلام، تطابق مسد و مسدالیه، حذف نشانه «را»، حذف فعل ربط، کاربرد فعل مرکب و کاربرد ضمایر متصل و منفصل.

همچنین به مقولات دیگری که با صرف و نحو زبانی در ارتباط غیرمستقیم بوده و سبب اشتباهات زبانی عرب‌زبان در یادگیری زبان فارسی می‌شده، پرداخته شده است. این موارد عبارتند از: تکیه، املای فارسی، اختلاف کلمات زبان مقصد و مبدأ و اختلاف گونه گفتاری و نوشтарی فارسی.

منابع و مأخذ

۱. اسلامی، مریم و استاجی، اعظم(۱۳۹۵ ه.ش). فسبل‌شدنگی در یادگیری زبان دوم: راهبردهای اجتناب برای فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان. فصلنامه زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا. سال هشتم. شماره ۲۰.

٢. اکبری، منوچهر(۱۳۸۱ هش). مشکلات گروه دانشجویان خارجی دانشگاه تهران. سومین رهآوردهای انتشارات فاطمی.
٣. انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن(۱۳۷۰ هش). دستور زبان فارسی ۲. تهران: انتشارات فاطمی.
٤. جعفری، فاطمه(۱۳۹۰ هش). آموزش زبان فارسی به غیرفارسیزبانان و اهمیت توجه به تفاوت زبان گفتار و نوشтар. نخستین همایش بینالمللی گسترش زبان و ادبیات فارسی. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
٥. حاجی سیدرضاپی، اکرم بیگم و مرادصرابی، رضا(۱۳۹۴ هش). آموزش دستور زبان فارسی به خارجیان در چارچوب رابطه بین کارکردهای زبانی و صورت‌های دستوری. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی. سال هفتم. شماره دوم. شماره ۱۳.
٦. حسینی، علی(۱۳۷۱ هش). ترجمه و شرح مبادی العربیه. جلد ۴. قم: انتشارات دارالعلم.
٧. ژیرار، دنی(۱۳۶۵ هش). زبان‌شناسی کاربردی و علم آموزش زبان. ترجمه گیتی دیهیم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
٨. شفاقی، ویدا(۱۳۷۸ هش). اهداف آموزش زبان فارسی. نامه فرهنگ شماره ۳۴.
٩. صفارمقدم، احمد (۱۳۹۲ هش). تفاوت‌های گفتار و نوشtar در آموزش مهارت گفتاری زبان فارسی به غیر فارسیزبانان. نشریه زبان‌شناسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال چهارم. شماره ۲.
١٠. طباطبایی، علاءالدین(۱۳۸۹ هش). فرایندهای واژه‌سازی زبان فارسی و استقلال صرف و نحو. مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی. سال دوم. شماره ۲.
١١. متولیان نائینی، رضوان و استوار ابرقویی، عباس(۱۳۹۲ هش). خطاهای نحوی عرب‌زبانان در یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم. پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسیزبانان. سال دوم. شماره ۲.
١٢. محمدی، محمد(۱۳۵۳ هش). یادداشت‌هایی درباره زبان فارسی از نظر رابطه آن با زبان عربی. نشریه مقالات و بررسی‌ها. شماره ۱۹ و ۲۰.
١٣. موسوی، سکینه (۱۳۸۶ هش). خیانت‌های ایرانیان به فرهنگ و زبان فارسی؛ یادداشتی بر کتاب «چالش میان فارسی و عربی» اثر آذرناش آذرنوش. نشریه رودکی.
١٤. میلانیان، هرمز(۱۳۵۰). کلمه و مرزهای آن در زبان و خط فارسی. مجلة دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال هجدهم شماره ۳.
١٥. وان والس، تئو (۱۳۷۲ هش). زبان‌شناسی کاربردی، یادگیری و آموزش زبان‌های خارجی. ترجمه محمود الیاسی. مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۶. وکیلی‌فرد، امیررضا(۱۳۹۴ هش). سبک‌های غالب یادگیری ادراکی زبان‌آموزان فارسی در کشورهای غیرفارسی‌زبان. نشریه زبان شناخت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ششم، شماره ۲.

Sources and references

1. Akbari, Manouchehr (1381 A.H.S). Problems of Student Groups of Tehran University. The third one. Report of the Third International Forum of Farsi and Persian Professors. Tehran: Persian Language and Literature Council.
2. Anwari, Hasan and Ahmadi Givi, Hassan (1370 A.H.S). Persian Grammar 2. Tehran: Fatemi Publication.
3. Girard, Danny (1365 A.H.S). Applied Linguistics and Language Science. Translated by Dieth Guti. Tehran: Academic Publishing Center.
4. Haji Seyed Razaei, Akram Beygum and Morad Shahraei, Reza (1394 A.H.S). Persian grammar instruction to foreigners in the context of the relationship between linguistic and grammatical functions. Journal of Linguistics Research. Seventh year Second Number 13
5. Hosseini, Ali (1371 A.H.S). Translation and Alphabet. Volume 4. Qom: Dar Al-Alam Publications.
6. Islami, Maryam Vastagi, Azam (1395 A.H.S). English Language Fascination: Avoidance Strategies for Non-Persian Learners. Al-Zahra University Language Study Quarterly. Eighth year, Number 20.
7. Jafari, Fatemeh (1390 A.H.S). Teaching Persian language to non-Persian speakers and the importance of paying attention to the difference in language and writing. First International Conference on the Development of Persian Language and Literature. Tehran: Persian Language and Literature Council.
8. Milaniyan, Hormoz (1350 A.H.S). The word and its borders in Persian language. Journal of the Faculty of Literature and Humanities. Eighteenth century, Number 3.

9. Mohammadi, Mohammad (1353 A.H.S). Notes on the Persian language in terms of its relation with Arabic. Journal of Papers and Reviews. Number 19 and 20.
10. Motavalian Naini, Rezvan and Estovar Abraqavi, Abbas (1392 A.H.S). Arabic syntactic errors in learning Persian as a second language. Non-Persian Learning Persian. Second year. Number 2.
11. Musavi, Sakineh (1386 A.H.S). Persecution of Persians in Persian Culture and Language; A Note on the book "The Challenge between Persian and Arabic" by Azartash Azarnoosh. Rudaki Journal.
12. Safar Moghdam, Ahmad (1392 A.H.S). Speech and Writing Differences in Speech Skills Training of Farsi to Non-Farsi. Journal of Linguistics. Institute of Humanities and Cultural Studies. Forth year. Number 2.
13. Shaghaghi, Vida (1378 A.H.S). Farsi Language Learning Objectives. Letter of Culture No. 34.
14. Tabatabai, Aladdin (1389 A.H.S). Persian language glossary processes and spatial independence. Journal of Linguistics Research. Second year. Number 2.
15. Vakili Fard, Amir Reza (1394 A.H.S). The prevailing perceptual styles of Persian language learners in non-Persian speaking countries. Journal of Cognitive Languages. Institute of Humanities and Cultural Studies. Sixth year Number 2.
16. Van Waals, Theo (1372 A.H.S). Applied Linguistics, Foreign Language Learning and Education. Translation by Mahmoud Elyasi. Mashhad: Astan Quds Razavi.